

بررسی عوامل خطر ساز روانی - خانوادگی پر خاشگری و گرایش به آن در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر یاسوج

زهرا کرمی^۱، علی اکبر پیراسته مطلق^۲، معصومه همتی نصر آباد سفلی^۳، پروین محمدی^۴

- ^۱ کارشناس ارشد رشته مشاوره توانبخشی دانشگاه علامه طباطبائی تهران. مشاور آموزش و پرورش شهرستان بویراحمد.
^۲ کارشناس ارشد رشته روانشناسی عمومی دانشگاه سیستان و بلوچستان. مشاور آموزش و پرورش شهرستان بویراحمد.
^۳ کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج. دبیر آموزش و پرورش شهرستان بویراحمد.
^۴ کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج.

نام نویسنده مسئول:

علی اکبر پیراسته مطلق

شماره ۱۵ / بهار ۱۳۹۸ / ص ۴۶-۴۰
مجله علمی پژوهش در مدیریت و مطالعات اجتماعی (سال پنجم)

چکیده

هدف مطالعه حاضر بررسی عوامل روانی - خانوادگی خطر ساز پر خاشگری و گرایش به آن در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر یاسوج بود. در این پژوهش توصیفی - همبستگی تعداد ۳۰۰ دانش آموز با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای از بین کلیه دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر یاسوج، انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها شامل پرسشنامه محقق ساخته، پرسشنامه خودکنترلی، پرسشنامه پر خاشگری باس و پری و آزمون شخصیتی ویلسون برای سنجش تمایل به پر خاشگری بود. داده ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین شیوه های فرزند پروری سهل گیرانه و مستبدانه با پر خاشگری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بین شیوه فرزند پروری مستبدانه و گرایش به پر خاشگری نیز ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. سابقه خشونت بر میزان پر خاشگری به صورت مستقیم ولی بر گرایش به پر خاشگری و خودکنترلی هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم اثر مثبت و معنی داری داشت. والدین خشن و شیوه های فرزند پروری بر پر خاشگری، گرایش به پر خاشگری و خودکنترلی به صورت مستقیم اثر مثبت و معناداری داشتند. در حالی که، خودکنترلی بر میزان پر خاشگری و گرایش به آن به صورت مستقیم اثر منفی و معناداری داشت. یافته ها حاکی از این است که پر خاشگری دانش آموزان می تواند ناشی از متغیرهای گوناگون از جمله ضعف در خودکنترلی، سابقه قبلی خشونت در دوران کودکی، والدین خشن و شیوه های فرزند پروری بد باشد.

واژگان کلیدی: پر خاشگری، خودکنترلی، شیوه های فرزند پروری، خشونت خانوادگی.

مقدمه

پرخاشگری از شایعترین مشکلات کودکان و نوجوانان و از دلایل مهم ارجاع آنها به مراکز مشاوره و روان درمانی است. پرخاشگری را می توان به عنوان رفتاری تعریف کرد که منجر به آسیب یا صدمه زدن به دیگری می شود (اندرسون و باشمن، ۲۰۰۲)، و شامل دو نوع آشکار و رابطه ای می باشد. پرخاشگری آشکار شامل رفتارهای خصمانه نظیر زدن، هل دادن، لگزدن و نیز تهدید به انجام این اعمال به صورت کلامی است (برک، ۲۰۰۱؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۶). در پرخاشگری رابطه ای فرد با هدف بر هم زدن روابط دوستانه و بین فردی قربانی، اقدام به پخش شایعات یا بدگویی و وادار کردن افراد به قطع ارتباط با فرد می نماید و از این طریق باعث مزوی شدن او می گردد (گادوین، ریسی و گریس، ۲۰۰۳). با این حال، آنچه باعث توجه پژوهشگران به پرخاشگری شده، عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی به وجود آورنده و دخیل در این گونه رفتارها برای نوجوانان مانند ضعف در خودکنترلی، شیوه های فرزندپروری، سابقه قبلی خشونت در دوران کودکی و والدین خشن می باشد.

ملاحظه ادبیات پژوهشی در زمینه پرخاشگری، نشانگر اهمیت محیط ابتدایی رشد کودک، بالاخص خانواده می باشد، به طوری که بررسی بحران های نوجوانی نشان داده است رفتار خانواده و رابطه والدین با رشد رفتاری و روانی نوجوانان تطابق دارد. تحقیقات در این زمینه بر نقش فعال رفتار والدینی، شیوه فرزندپروری و رفتار متضاد پدر و مادر، وجود جو نامساعد در خانواده، پرخاشگر بودن پدر و مادر و سبک های دلبستگی والدین و کودکان تأکید نموده و آنها را از عوامل تأثیرگذار بر پیدایش، افزایش و یا تعدیل پرخاشگری نوجوانان می دانند (لیو، ۲۰۱۱). به عنوان مثال، در پژوهشی مشخص شد که بین فرزندپروری سخت و انضباط خشن مانند تنبیه بدنی با مشکلات پرخاشگری و رفتارهای برون ریزی شده فرزندان رابطه وجود دارد (کانگر، نیل و کیم، ۲۰۰۳). اشکال منفی فرزندپروری اولیه و کنترل روانی والدین در پرخاشگری رابطه ای با همسالان مشارکت دارد (میخائیل، گریتنز، اوانا و کاپنز، ۲۰۰۸). محققان برقراری محیطی گرم و صمیمی در خانواده و رابطه محبت آمیز بین والدین و فرزندان را عاملی در جهت کاهش پرخاشگری کودکان می دانند (ژو، فارور و ژانگ، ۲۰۰۹). علاوه بر این، در پژوهشی نشان داده شده است که والدین دموکرات، قاطع و اطمینان بخش فرزندان مستقل، مسئول و با اعتماد به نفس با ر می آورند، در حالی که والدین مقدر، غیرمنطقی، خودکامه و همچنین والدین سهل گیر و بی اعتنا، احساس طردشدگی به نوجوان می دهند و گاهی خشم او را برمی انگیزند که در نهایت به افسردگی وی می انجامد (بارتمن، اونیل، هانگ، گولی، روزنفلت و شروت، ۲۰۰۹).

افزون بر این، نوجوانان پرخاشگر معمولاً توان مهار رفتار خود را ندارند و معیارها و ارزش های جامعه ای را که در آن زندگی می کنند به راحتی زیر پا می گذارند. در بیشتر موارد والدین و اولیای مدارس با آنها درگیری پیدا می کنند و گاهی به اخراج آنها از مدرسه می انجامد (عاشوری، ترکمن ملایری و فدایی، ۱۳۸۷). دانش آموزی که به هر علت در محیط خانواده و آموزشی تحت خشونت های کلامی یا بدنی قرار می گیرد علاوه بر احساس ناامنی و بیزاری از مدرسه، اثرات ناگوار فردی ای مانند ضعف در خودکنترلی در طول زندگی برای وی به همراه خواهد داشت که این در نهایت منجر به افزایش پرخاشگری در او خواهد شد (بازرگان، صادقی و غلامعلی لواسانی، ۱۳۸۲). به طوری که افزایش مهارت های خودکنترلی روشی مفید در مداخلاتی که با هدف حل مشکلات پرخاشگری دانش آموزان است، می باشد. لذا افزایش مهارت های خودکنترلی به عنوان یک عامل میانجی در رابطه بین عوامل خانوادگی خشونت و میزان پرخاشگری در نوجوانان، می تواند باعث کاهش پرخاشگری و گرایش به آن در نوجوانان گردد (سیارپور، هزاوه ای، احمدپناه و معینی، ۱۳۹۰).

بنابراین، با توجه به اینکه نوجوانان و جوانان نیروی فعال و پویای جامعه هستند و نمی توان این جمعیت فعال را نادیده گرفت. لذا باید نگرش ها، ویژگی ها، مشکلات، خواست ها و مسائل آنان به ویژه در زمینه پرخاشگری را شناخت و راه ارتباط و رفتار صحیح با آنها را به ویژه از جانب خانواده ها پیدا و بازنگری نمود. از این رو، هدف مطالعه حاضر بررسی عوامل روانی- خانوادگی خطر ساز (ضعف در خودکنترلی، شیوه های فرزندپروری، سابقه قبلی خشونت در دوران کودکی و والدین خشن) میزان پرخاشگری و گرایش به آن در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر یاسوج می باشد.

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی- همبستگی می باشد. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر یاسوج می باشد. نمونه آماری شامل ۳۰۰ دانش آموز می باشد که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. روش انتخاب نمونه به این صورت بود که ابتدا لیست تمام مدارس مقطع متوسطه پسرانه شهر یاسوج آماده شد و سپس به تصادف از بین این مدارس ۱۴ مدرسه انتخاب شدند و بعد با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده از بین کلیه دانش آموزان سال دوم مدارس انتخاب شده، تعداد ۳۰۰ دانش آموز به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها شامل پرسشنامه محقق ساخته، پرسشنامه خودکنترلی، پرسشنامه شیوه های فرزندپروری بامریند، پرسشنامه پرخاشگری باس و پری و آزمون شخصیتی آیزنیک- ویلسون برای سنجش تمایل به پرخاشگری بود.

(۱) پرسشنامه سابقه قبلی خشونت و والدین خشن (محقق ساخته): این پرسشنامه شامل ۱۲ سؤال می‌باشد که بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای شامل کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم رتبه‌بندی شده است. این پرسشنامه شامل سؤالاتی در مورد سابقه بدرفتاری و تنبیه جسمانی، خشونت کلامی و بدنی، توهین، بددهنی و ناسزا در دوران کودکی توسط والدین و اطرافیان است، که به دو بخش سؤالات مربوط به سابقه قبلی خشونت (شامل ۷ سؤال) و والدین خشن (شامل ۹ سؤال) تقسیم می‌شوند. سؤالات این پرسشنامه توسط دو متخصص روانشناسی مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن نیز با استفاده روش آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که ضریب ۰/۸۱ بدست آمد.

(۲) مقیاس تجدید نظر شده خودکنترلی: این مقیاس دارای ۲۴ ماده است که برای سنجش وضعیت خودکنترلی فرد مورد استفاده قرار می‌گیرد و توسط گراسمیت و همکاران (۱۹۹۳) تهیه گردیده است. پاسخ دهنده بر روی یک مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) به ماده‌های آن پاسخ می‌دهند. نمرات پایین نشان دهنده خودکنترلی بالا و نمرات بالا نشان دهنده خودکنترلی پایین است. اسپنسر (۲۰۰۵) ضریب همسانی درونی آن را با کاربرد روش آلفای کرونباخ، ۰/۹۲ بدست آورده‌اند. الله وردی پور و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهش خود بر روی دانش آموزان دبیرستانی شهر تهران ضریب آلفای آن را ۰/۸۰ گزارش داده‌اند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه برابر ۰/۸۴ به دست آمد.

(۳) پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند: این ابزار اکتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند از سه الگوی آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین جهت بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. برای ۱۹۹۱ به نقل از پاکدامن (۱۳۸۰) برای بررسی اعتبار این پرسشنامه از روش بازآزمایی استفاده کرد و نتایج زیر را به دست آورد: ۰/۸۱ برای شیوه سهل‌گیری مادر، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی مادر و ۰/۷۸ برای شیوه اقتداری مادر. همچنین برای بررسی روایی پرسشنامه از روش روایی تشخیصی استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی مادر رابطه منفی بالایی با سهل‌گیری و اقتدار مادر دارد. همچنین شیوه سهل‌گیری مادر رابطه معناداری با شیوه اقتداری او نداشت.

(۴) پرسشنامه پرخاشگری باس و پری: این پرسشنامه دارای ۲۹ ماده است که به ارزیابی میزان پرخاشگری در افراد می‌پردازد و شامل ۴ زیر مقیاس: پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت می‌باشد. پرسشنامه پرخاشگری از همسانی درونی بسیار خوبی برخوردار است. ضریب آلفا برای خرده مقیاس‌های پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۷۲، ۰/۸۳ و ۰/۷۷ و ضریب آلفای کل نمرات پرسشنامه ۰/۸۹ بدست آمده است (ودادیان، قنبری هاشم آبادی و مشهدی، ۱۳۹۰).

(۵) پرسشنامه شخصیتی آیزنیک- ویلسون: این پرسشنامه شامل ۱۲۰ آیت می‌باشد که تنها ۴۰ آیت مربوط به زیر مقیاس تمایل به پرخاشگری برای دانش‌آموزان اجرا گردید. آزاد فلاح، دادستان، اژه‌ای و مؤذنی (۱۳۷۸)؛ به نقل از حسنی، بیگدلی و قوشچیان، (۱۳۸۶) پایایی پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۶۸ گزارش کرده‌اند. ویلسون و همکاران (۱۹۹۰)؛ به نقل از حسنی و همکاران، (۱۳۸۶) ضریب آلفای به دست آمده را در حدود ۰/۶۰ تا ۰/۷۰ گزارش کرده‌اند. پرسشنامه‌ها با حضور در کلاس‌های مورد نظر و پس از توضیح اهداف پژوهش، توسط دانش‌آموزان تکمیل شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی حاصل از پژوهش نشان داد که میانگین سنی آزمودنی‌ها بین ۱۶ تا ۱۷/۱۵ سال است. نتایج حاصل از وضعیت تحصیلات پدر آزمودنی‌ها نشان داد که ۱۷ درصد دارای مدرک دیپلم و پایین‌تر هستند، ۵۳ درصد دارای مدرک فوق دیپلم و لیسانس و ۳۰ درصد دارای مدرک فوق لیسانس و بالاتر هستند. نتایج حاصل از وضعیت تحصیلات مادر آزمودنی‌ها نیز نشان داد که ۳۵ درصد دارای مدرک دیپلم و پایین‌تر هستند، ۴۶ درصد دارای مدرک فوق دیپلم و لیسانس و ۱۹ درصد دارای مدرک فوق لیسانس و بالاتر هستند. برای بررسی ارتباط میان سابقه قبلی خشونت در دوران کودکی، والدین خشن، خود کنترلی و شیوه‌های فرزندپروری با میزان پرخاشگری و گرایش به آن در نوجوانان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی این فرضیه را می‌توانید در جدول شماره ۱ ملاحظه نمایید.

جدول ۱- نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط میان سابقه قبلی خشونت در دوران کودکی، والدین خشن، خود کنترلی و شیوه‌های فرزندپروری با میزان پرخاشگری و گرایش به آن در نوجوانان

متغیرها	میزان پرخاشگری	گرایش به پرخاشگری
والدین خشن	۰/۲۱	۰/۴۱**
سابقه قبلی خشونت	۰/۱۸	۰/۳۸**
شیوه فرزندپروری آزادگذاری	۰/۴۲**	۰/۱۶
شیوه فرزندپروری استبدادی	۰/۳۸**	۰/۳۵**
شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی	-۰/۳۴*	-۰/۳۹**
خودکنترلی	-۰/۴۰**	-۰/۴۳**

($P < ۰/۰۵$)* ** ($P < ۰/۰۱$)

یافته‌های حاصل از تحلیل ضریب همبستگی نشان می‌دهد که بین سابقه قبلی خشونت در دوران کودکی، والدین خشن با گرایش به پرخاشگری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بین شیوه‌های فرزندپروری آزادگذاری و استبدادی با میزان پرخاشگری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بین شیوه فرزندپروری استبدادی و گرایش به پرخاشگری نیز ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. این در حالی است که، شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی و خودکنترلی با میزان پرخاشگری و گرایش به آن ارتباط منفی و معناداری دارند (جدول ۱). برای الگوسازی و تعیین روابط بین متغیرها از روش معادلات ساختاری استفاده شده است. الگوی معادلات ساختاری یک رویکرد آماری جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده و متغیرهای مکنون می‌باشد. لازم به ذکر است که برای اینکه مدل ساختاری یا نمودار مسیر مورد تأیید قرار گیرد، اولاً باید شاخص‌های آن برازش مناسبی داشته باشند و ثانیاً باید مقادیر t -value و ضرایب استاندارد معنی‌دار باشند.

جدول ۲- معیارهای برازش الگوی اندازه‌گیری

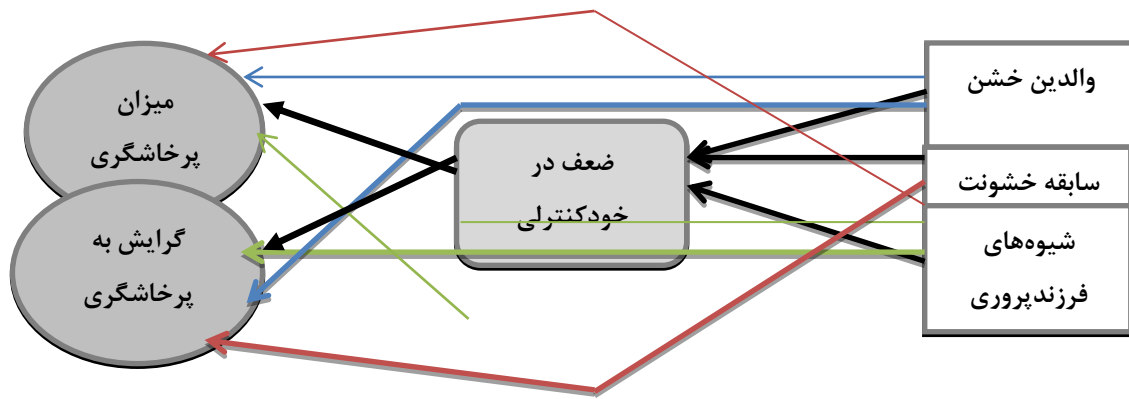
کای دو	کای دو به درجه آزادی	t	NFI	CFI	GFI	RMSEA
۱۰۲۶/۹۷	۲/۷۴۵	۴/۶۶	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۹۸	۰/۰۰۹

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، اعتبار و برازندگی مناسب مدل‌ها تأیید می‌گردد، چرا که مقدار کای دو، نسبت کای دو به درجه آزادی در مدل کمتر از ۳ بوده، مقدار t -value بزرگتر از ۲، مقدار RMSEA کوچکتر از ۰/۰۵ و مقدار CFI، NFI و GFI بزرگتر از ۰/۹۰ می‌باشند.

جدول ۳- اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کلی متغیرها مطابق مدل تحقیق به صورت تأثیر متغیرهای سطر بر متغیرهای ستون

متغیر	میزان پرخاشگری			گرایش به پرخاشگری			خودکنترلی	
	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	کلی	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	کلی	اثر غیرمستقیم	کلی
والدین خشن	۰/۱۱	۰/۲۳	۰/۱۹	۰/۳۶**	۰/۲۱	۰/۲۵	۰/۷۸**	۰/۱۱
سابقه قبلی خشونت	۰/۵۴**	۰/۰۵	۰/۵۹**	۰/۳۶*	۰/۵۴**	۰/۵۸**	۰/۴۳*	۰/۵۴**
شیوه‌های فرزندپروری	۰/۱۴	۰/۲۴	۰/۲۰	۰/۶۱**	۰/۲۲	۰/۵۳**	۰/۳۶*	۰/۲۱
خودکنترلی	-۰/۶۷**	-۰/۲۲	-۰/۴۹**	-۰/۵۵**	۰/۱۹	-۰/۴۷**		

($P < ۰/۰۵$)* ** ($P < ۰/۰۱$)



شکل ۱. مدل‌سازی معادلات ساختاری. خطوط کم‌رنگ نشان دهنده اثرات غیرمعنی‌دار و خطوط پررنگ نشان دهنده اثرات معنی‌دار هستند.

همانطوری که در جدول ۲ و شکل ۱ نشان داده شده است، سابقه خشونت بر میزان پرخاشگری به صورت مستقیم ($0/54$) و بر گرایش به پرخاشگری ($0/58$) و خودکنترلی ($0/46$) هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم اثر مثبت و معنی‌داری دارد. والدین خشن و شیوه‌های فرزندپروری بر گرایش به پرخاشگری و خودکنترلی به صورت مستقیم اثر مثبت و معناداری دارند، ولی بر میزان پرخاشگری اثر معناداری ندارند. خودکنترلی بر میزان پرخاشگری ($-0/67$) و گرایش به آن ($-0/55$) به صورت مستقیم اثر منفی و معناداری دارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف مطالعه حاضر بررسی عوامل روانی- خانوادگی خطر ساز (ضعف در خودکنترلی، شیوه‌های فرزندپروری، سابقه قبلی خشونت در دوران کودکی و والدین خشن) میزان پرخاشگری و گرایش به آن در بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهر یاسوج بود. یافته‌های حاصل از تحلیل ضریب همبستگی نشان داد که بین سابقه قبلی خشونت در دوران کودکی، والدین خشن با گرایش به پرخاشگری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بین شیوه‌های فرزندپروری آزادگذاری و استبدادی با میزان پرخاشگری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بین شیوه فرزندپروری استبدادی و گرایش به پرخاشگری نیز ارتباط مثبت و معناداری وجود داشت. این در حالی است که، شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی با میزان پرخاشگری و گرایش به آن ارتباط منفی و معناداری داشت. این بدین معنی است که، سابقه خشونت، والدین خشن و شیوه‌های فرزندپروری آزادگذاری و استبدادی می‌توانند میزان پرخاشگری و گرایش به آن را در دانش‌آموزان افزایش دهد. ولی شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی می‌تواند میزان پرخاشگری و گرایش به آن را در دانش‌آموزان کاهش دهد. علاوه، نتایج تحلیل معادلات ساختاری نشان داد که متغیرهای والدین خشن و شیوه‌های فرزندپروری به صورت مستقیم بر گرایش به پرخاشگری اثر مثبت و معناداری دارند. در حالی که، متغیر سابقه قبلی خشونت بر میزان پرخاشگری به صورت مستقیم و بر گرایش به پرخاشگری هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم اثر مثبت و معناداری دارد. این یافته‌ها با نتایج حاصل از پژوهش‌های (لیو، ۲۰۱۱؛ کانگر و همکاران، ۲۰۰۳؛ میخائیل و همکاران، ۲۰۰۸؛ ژو و همکاران، ۲۰۰۹؛ بارتمن و همکاران، ۲۰۰۹) همسویی دارد. آنها در پژوهش‌های خود نشان داده‌اند که بین فرزندپروری سخت، تنبیه بدنی و خشونت والدین با مشکلات پرخاشگری و رفتارهای برون‌ریزی شده فرزندان رابطه وجود دارد. همچنین، نتایج نشان داد که خودکنترلی با میزان پرخاشگری و گرایش به آن ارتباط منفی و معناداری داشت. به عبارت دیگر، ضعف در خودکنترلی می‌تواند میزان پرخاشگری و گرایش به آن را در دانش‌آموزان افزایش دهد. علاوه، نتایج تحلیل معادلات ساختاری نشان داد که خودکنترلی بر میزان پرخاشگری و گرایش به آن به صورت مستقیم اثر منفی و معناداری دارد. این یافته‌ها با نتایج حاصل از پژوهش‌های (عاشوری و همکاران، ۱۳۸۷؛ بازرگان و همکاران، ۱۳۸۲؛ سیارپور و همکاران، ۱۳۹۰) همخوانی دارد. این محققان در تحقیقات خود به این نکته اشاره داشته‌اند که ضعف در مهار خود و عدم خودکنترلی موجب برون‌ریزی خشم و پرخاشگری کلامی و بدنی می‌گردد. بنابراین، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که پرخاشگری و گرایش به آن در دانش‌آموزان می‌تواند ناشی از متغیرهای گوناگون فردی، خانوادگی و اجتماعی از جمله ضعف در خودکنترلی، سابقه قبلی خشونت در دوران کودکی، والدین خشن، وضعیت اجتماعی- اقتصادی ضعیف و نبود حمایت‌های اجتماعی باشد. لذا به مسئولین نظام تعلیم و تربیت، مشاوران، روانشناسان، خانواده‌ها و دیگر دست‌اندرکاران توصیه می‌شود تا با بهبود روابط احترام‌آمیز متقابل و به دور از تنبیه و خشونت با نوجوانان و شیوه‌های فرزندپروری مناسب در مرحله اول مهارت خود کنترلی را در نوجوانان افزایش دهند و در مراحل بعدی میزان پرخاشگری و گرایش به آن را در آنها کاهش دهند.

سیاسگزاری

از کلیه افرادی که ما در به ثمر رسیدن این پژوهش یاری کردند به ویژه رئیس اداره کل آموزش و پرورش استان و رئیس و معاونت پرورشی و تربیت بدنی اداره آموزش و پرورش شهرستان بویراحمد و مدیران مدارس، و همینطور کلیه دانش‌آموزانی که در تکمیل پرسشنامه‌ها همکاری لازم را داشتند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

منابع

۱. بازرگان، ز.، صادقی، ن.، غلامعلی لواسانی، م.، ۱۳۸۲، بررسی وضعیت خشونت کلامی در مدارس راهنمایی شهر تهران: مقایسه نظرات دانش آموزان و معلمان، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، دوره ۳۳، شماره ۱، ۲۸-۱.
۲. برک، ل.، ۲۰۰۱، روانشناسی رشد: از لقاح تا کودکی، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ۱۳۸۶، جلد اول، تهران، نشر ارسباران.
۳. پاکدامن، ش.، ۱۳۸۰، بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانان، پایان نامه دکترای روان شناسی، دانشگاه تهران.
۴. سیارپور، س. م.، هزاهای، س. م.، احمدپناه، م.، معینی، ب.، ۱۳۹۰، بررسی رابطه پرخاشگری و خودکارآمدی ادراک شده در دانش آموزان مقطع متوسطه شهر همدان، مجله دانشکده پرستاری و مامایی همدان، دوره ۱۹، شماره ۲، ۲۳-۱۶.
۵. عاشوری، ا.، ترکمن ملایری، م.، فدایی، ز.، ۱۳۸۷، اثربخشی گروه درمانی متمرکز بر ابراز وجود در کاهش پرخاشگری و بهبود پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال ۱۴، شماره ۴، ۳۹۳-۳۸۹.
۶. ودادیان، ز.، قنبری هاشم آبادی، ب. ع.، مشهدی، ع.، ۱۳۹۰، بررسی اثربخشی گروه درمانی چندخانواده ای بر حل تعارضات والدین-فرزندان و کاهش پرخاشگری نوجوانان دختر ۱۵-۱۴ ساله شهر مشهد، فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، شماره ۴، سال اول، صص ۴۱-۱۹.
۷. حسنی، ج.، بیگدلی، ا.، قوشچیان، س.، ۱۳۸۶، مقایسه فعالیت سیستم های مغزی- رفتاری بیماران مبتلا به اختلال وسواس و افراد بهنجار، تازه های علوم شناختی، سال ۹، شماره ۲۵، ۱۶-۱.

- [1]. Allahverdipour1, H., shafii2, F., Azad fallah3, P., Emami4, A. (2006). "The statues of self-control and its relation to drug abuse-related behaviors among Iranian male high School students". Social Behavior and Personality, 34(4): 413-424.
- [2]. Anderson, C. A., Bushman, B. J. (2002). "Human aggression". Annual Rev Psychol, 53: 27-51.
- [3]. Brotman, L. M., O'Neal, C. R., Huang, H. Y., Gouley, K. K., Rosenfelt, A., Shrout, P. E. (2009). "An experimental test of parenting practices as a mediator of early childhood physical aggression". J Child Psychol and Psychiatry, 50(3): 235-245.
- [4]. Conger, R. D., Neppl, T., Kim, K. J. (2003). "Scaramella L. Angry and aggressive behavior across three generations: A prospective, longitudinal study of parents and children". J Abnorm Child Psychol, 31: 143-160.
- [5]. Goodwin, T., Pacey, K., Grace, M. (2003). "Children: Violence prevention in preschool settings". J Child Adoles Psychiatric Nursing, 16: 52-59.
- [6]. Liu, J. (2011). "Early health risk factors for violence: Conceptualization, evidence, and implications". Aggression and ViolBehav, 16: 63-73.
- [7]. Michiels, D., Grietens, H., Onghena, P., Kuppens, S. (2008). "Parent-child interactions and relational aggression in peer relationships". Dev Rev, 28: 522-540.
- [8]. spencer, D. L. (2005). "Race, self-control, and drug problems among jail inmates". Journal of Drug Issues, 22(4, 5): 645-664.
- [9]. Xu, Y., Farver, J. A. M., Zhang, Z. (2009). "Temperament, Harsh and Indulgent Parenting, and Chinese Children's Proactive and Reactive Aggression". Child Dev, 80(1): 244-258.